



دانشگاه مذاهب اسلامی

دانشگاه مذاهب اسلامی

دانشکده فقه و حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی

عنوان:

مسئولیت جرایم سلبی در فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان

نگارش:

مطیع الله شریعتی

استاد رهنما:

دکتر محمود ویسی

استاد مشاور:

دکتر شکبیا امیرخانی

سال تحصیلی: 1399.....



سپاسگزاری

لازم می بینم که سپاسگزاری داشته باشم از استاد محترم دکتر محمود (ویسی) استاد رهنمای بنده و همچنین استاد دکتر شکیبا (امیرخانی) استاد مشاورم، که مخلصانه و بدون خستگی در تمام زمان نوشتن این پایان نامه برای بنده راهنمایی و مشورت دادن. از خداوند ایزد منان طول عمر و سرفراز برایشان استدعا دارم.

تقدیم

تقدیم به پدر و مادر مهربانم که دعا نیک شان چراغ راهنمایی
بنده در این دوره تحصیلی بود.

چکیده

فقه و حقوق برای صیانت از حقوق افراد قوانین را وضع کرده است. در تعبیر قانون گذار فعل و ترک فعل که ایجاد ضرر و زیان بر دیگران کند جرم است و مسئولیت جزائی در پی خواهد داشت. مسئولیت جرایم سلبی از ترک فعل که به ضرر ناشی می شود، به وجود می آید. این مسئولیت بین فقها به اختلاف انجامیده است و به دو نظریه عمده ختم می گردد؛ بعضی از فقها که بیشتر فقه احناف به این امر تاکید دارد به نفی مطلق مسئولیت از شخص در جرایم سلبی تاکید دارد. البته این نفی مطلق مسئولیت، به معنی عدم مسئولیت کیفری نیست؛ بلکه به این نظر هستند که عامل اصلی نتیجه مجرمانه فعل است نه ترک فعل. نظر دیگر که در بین فقها در خصوص مسئولیت جرایم سلبی مطرح است، اثبات مطلق مسئولیت برای فاعل جرم می باشد. در این نظریه بیان شده است که اگر شخص اقدام می کرد، مانع مرگ و یا هم رسیدن ضرر به مجنی علیه می گردید. در بررسی مصادیق جرایم سلبی این امر به صورت واضح و کامل به چشم می خورد و به اثبات این دو نظریه تاکید دارد.

از آنجا که حقوق وضعی افغانستان مسائل و مباحث راجع به حدود، قصاص و دیات را به فقه حنفی ارجاع داده است و فقط به مباحث تعزیرات پرداخته به نظر می رسد مسئولیت جرایم سلبی را تعزیری دانسته و مرتکب آن را به جرایم تعزیری محکوم می کند. در خصوص تفاوت مسئولیت جرایم سلبی در فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان، این نتیجه به دست آمد که؛ عمده ترین تفاوت را می توان به جرم انگاری این مساله دانست که فقه اسلامی در این امر پیش قدم بود. و لازم به ذکر است که حقوق افغانستان به صورت ضمنی مسئولیت جرایم سلبی را تعزیری دانسته است، که یکی دیگر از تفاوت های فقه اسلامی با حقوق افغانستان را نشان می دهد.

کلید واژه: مسئولیت، مصادیق، جرایم سلبی، فقه مذاهب، حقوق افغانستان

فهرست عناوین

فصل اول: کلیات و مفاهیم تحقیق

- 1-1-1: کلیات تحقیق
- 1-1-1-1: تبیین مساله
- 1-1-1-2: اهداف و ضرورت تحقیق
- 1-1-1-3: پیشنهادیه تحقیق
- 1-1-1-4: سوالات تحقیق
- 1-1-1-4-1: سوال اصلی
- 1-1-1-4-2: سوالات فرعی
- 1-1-1-5: فرضیه های تحقیق
- 1-1-1-5-1: فرضیه اصلی
- 1-1-1-5-2: فرضیه فرعی
- 1-1-1-6: نوآوری تحقیق
- 1-1-1-7: روش تحقیق
- 1-1-1-8: ساختار تحقیق
- 2-1: تبیین مفاهیم
- 2-1-1: تعریف جرم
- 2-1-1-1: تعریف جرم از دیدگاه شرعی
- 2-1-1-2: تعریف جرم از دیدگاه حقوقی
- 2-1-1-3: جرم در اصطلاح فقها
- 2-1-1-4: جرم در اصطلاح حقوقی
- 2-1-1-5: جمع بندی تعاریف جرم
- 2-1-2: ارکان عمومی جرم

- 10 1-2-2-1: رکن معنوی جرم
- 10 2-2-2-1: رکن مادی جرم
- 11 3-2-2-1: رکن قانونی جرم
- 12 3-2-1: اقسام جرم از جهت نوع عمل
- 12 1-3-2-1: جرم ایجابی
- 12 2-3-2-1: جرم سلبی
- 20 4-2-1: سلب و ایجاب
- 22 1-4-2-1: جرایم سلبی به تسبیب
- 22 5-2-1: تفاوت جرم ترک فعل و جرم ایجابی
- 23 1-5-2-1: ایجابی بودن
- 23 2-5-2-1: مخالفت با امر یا نهی قانون گذار
- 23 3-5-2-1: جرم شروع به جرم و عدم آن
- 23 4-5-2-1: مبنای جرم انگاری
- 24 5-5-2-1: وقوع و عدم وقوع جرم در غیاب مجرم
- 25 6-2-1: بررسی تطبیقی ترک فعل در حقوق اسلامی و قوانین عرفی
- 26 7-2-1: جرم انگاری ترک فعل و ضرورت آن

فصل دوم: مسئولیت جرایم سلبی در فقه مذاهب اسلامی

- 29 1-2: مسئولیت جرایم سلبی در فقه مذاهب اسلامی
- 29 1-1-2: جرم ایجابی که از راه ترک فعل به وجود می آید
- 30 1-1-1-2: مسوول شناختن ممتنع
- 30 2-1-2: مسئولیت جرایم سلبی
- 30 1-2-1-2: مسئولیت از لحاظ تکلیفی
- 31 2-2-1-2: مسئولیت از لحاظ وضعی
- 33 2-2: جرایم سلبی

- 33 2-2-1: مصادق جرایم سلبی و مسولیت آن
- 34 2-2-1-1: خود درای از ایفای تعهد
- 35 2-2-1-2: خود داری مربی شنا و ناجی غریق از انجام دادن عمل نجات بخش
- 37 2-2-1-3: امتناع مادر از دادن شیر برای فرزندش
- 40 2-2-1-4: عدم رسیدگی به زندانی
- 41 2-2-1-5: مسولیت پزشک و پرستار در ایفای وظیفه
- 43 2-2-1-6: عدم توجه در خصوص زندانی
- 44 2-2-1-7: عدم همکاری با دیگری در حالت اضطرار
- 44 2-2-1-8: امتناع از رفع خطر و تعمیر دیوار در حال فرو ریختن
- 48 2-2-1-9: عدم نگهداری حیوانات و ماده خطر ناک
- 51 2-2-2: جرایم سلبی به حسب فعل یا عملی که ترک شده
- 55 2-2-3: جرم سلبی به حسب تارک فعل

فصل سوم: مسؤلیت جرایم سلبی در حقوق افغانستان و تفاوت آن با فقه اسلامی

- 61 3-1-1: مصادیق جرایم سلبی در حقوق افغانستان و مسؤلیت آن
- 61 3-1-1-1: امتناع موظف طبی از تداوی
- 62 3-1-1-1-1: عنصر قانونی
- 62 3-1-1-2: عنصر مادی
- 63 3-1-1-3: عنصر معنوی
- 66 3-1-2: عدم اطلاع از کشف اثر تاریخی یا فرهنگی
- 67 3-1-3: عدم تسلیم دهی مال یافت شده
- 67 3-1-3-1: عنصر مادی
- 68 3-1-3-2: عنصر معنوی
- 68 3-1-4: استنکاف از سوگند
- 69 3-1-4-1: عنصر مادی

- 70 2-4-1-3: عنصر معنوی.....
- 70 5-1-3: عدم اطلاع دهی راپور معامله مشکوک.....
- 71 1-5-1-3: عنصر مادی.....
- 71 2-5-1-3: عنصر معنوی.....
- 72 6-1-3: عدم ایفای وجبیه.....
- 73 1-6-1-3: عنصر مادی.....
- 74 2-6-1-3: عنصر معنوی.....
- 74 1-6-1-3: عنصر مادی.....
- 75 2-6-1-3: عنصر معنوی.....
- 75 7-1-3: امتناع از تادیه نفقه.....
- 78 1-7-1-3: عنصر مادی.....
- 78 2-7-1-3: عنصر معنوی.....
- 79 8-1-3: بررسی مواد 844 و 906 کود جزا.....
- 83 2-3: تفاوت مسوولیت جرایم سلبی در فقه مذاهب اسلامی با حقوق افغانستان.....
- 83 1-2-3: عنصر مادی جرم.....
- 84 2-2-3: تفاوت جرایم سلبی میان قوانین عرفی و اسلام.....
- 85 3-2-3: نکات اشتراک و افتراق مسوولیت جرایم سلبی در فقه و حقوق افغانستان.....
- 78 نتیجه گیری.....
- 88 پیشنهاد ها.....
- 89 چکیده انگلیسی.....
- 95-90 منابع و ماخذ.....

فصل اول: کلیات و مفاهیم تحقیق

1-1: کلیات تحقیق

1-1-1: تبیین مسأله

رفتار مجرمانه اساساً به صورت فعل است، اما این که آیا میتوان ترک فعل را عمل مجرمانه تلقی نموده و تارک آن را مجرم دانست و مسوولیت جزایی را بر وی حمل نمود، فقها و حقوقدانان که به رابطه علیت و دید عرفی می نگرند، بر این باور اند که ترک فعل نیز می تواند به لحاظ شرایط ویژه، عنصر مادی جرم را تحقق بخشیده و مرتکب آن مسوول شناخته شود. لذا تارک فعل با ترک فعلی که مسبوق به تعهد، قرارداد، قانون، عرف باشد، می توان مسوولیت جزایی از نوع قصاص، دیه یا تعزیر را بروی تحمیل کرد. ترک فعل، امتناع ارادی شخص از انجام دادن فعل ایجابی معین که قانونگذار در شرایط خاص مکلف را به دلیل حفظ نظم، امنیت و حمایت از ارزش های اساسی جامعه، در صورت توانایی به انجام داد آن ملزم کرده است.

نظام جزایی شریعت اسلام نیز جهت صیانت از حقوق اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی، دو نوع جرم، ایجابی و سلبی را در نظر گرفته است. در این نظام حقوقی، همان گونه که انجام برخی اعمال، جرم به شمار می رود، ترک برخی از آن ها نیز جرم است. دین مبین اسلام بعنوان حافظ حقوق مردم، بر پایه حقوق مستمر اشخاص و اجتماعات بنا نهاده شده است، این نظام برای کسانی که به تعالیم مشخص شده اسلامی عمل نکنند، یا انگیزه و گرایش به سمت جرم داشته باشند و باعث ایجاد اختلالات اجتماعی، اقتصادی و جنایی و حتی سیاسی شوند، مجازاتی را مشخص نموده است تا ایجاد آرامش و امنیت و عدالت اجتماعی به وجه احسن آن متحقق گردد.

ترک فعل در اصطلاح، ناظر بر خودداری از انجام فعلی است که شخص مکلف به انجام آن بوده است. به عبارت دیگر ترک فعل به معنی امتناع از ایفای تکلیفی است که موضوع حکم قانونگذار بوده است. فقط در صورت که

مكلف آنچه را که بر عهده اوست ترک کند و نتیجه مجرمانه واقع گردد، مقصر شناخته می شود، یا ترک فعل عبارت است از خود داری از انجام تکالیف محوله، یا خود داری از انجام وظایفی که قانون برای افراد خاص معین می کند و عدم انجام آن جرم است؛ مانند امتناع شوهر از دادن نفقه به همسر خود، یا امتناع مامورین و مستخدمین دولت از انجام وظایفی قانونی خود یا خود داری از عملی که منجر به فوت انسانی می شود مانند اینکه پرستار به بیمار دارو ندهد یا مادری از دادن شیر و غذا به طفل خود داری کند، یا ترک حیوان در جای که به دیگران باعث ضرر گردد؛ فقه اسلامی تارک فعلی را که شخص شرعاً، قانوناً و یا عرفاً مکلف به انجام آن بوده، اما انجام آن را عمداً و یا در اثر بی مبلاتی ترک نموده باشد، حسب احوال حکم تعزیر تارک نموده است و حقوق افغانستان نیز تارک فعل که شخصی قانوناً تکلیف انجام نموده ان را داشته است، اما در اثر غفلت و یا عمد آن را ترک نموده باشد، حسب احوال به مجازات حبس قصیر، حبس متوسط و در برخی از موارد به مجازات نقدی محکوم می گردد.

1-1-2: اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی این تحقیق تبیین انواع جرایم سلبی و شرایط و ضوابط آن در فقه اسلامی و تعیین مصادیق آنها در حقوق افغانستان است. در پژوهش حاضر سعی بر آن شده تا مشخص گردد که ترک فعل، چه به گونه عرفی باشد و یا قانونی و شرعی، در وقوع جرایم چه تاثیری دارد و ضمناً در شدت و خفت مجازات نیز بر آن استدلال می شود و یا خیر؟ و همچنان بیان تطبیقی مصادیق این نوع جرایم ناشی از ترک فعل در فقه اسلامی و حقوق افغانستان است. ضرورت این تحقیق از آنجا است که در مورد جرم بودن نوعی ترک فعل، حدس و گمان های موجود دارد؛ یعنی فعل که ترک آن جرم است، از نوع فعلی عرفی است، شرعی است و یا قانون که تعیین نوعیت این موارد، می تواند گاهی موثری در راستای روند عدالت جزایی قانون افغانستان باشد.

1-1-3: پیشینه تحقیق

کتاب ها و مقالاتی که به این موضوع اشاره داشته اند؛ قرار ذیل می باشد.

1: پایان نامه بررسی فقهی و حقوقی ترک فعل در تحقیق عنصر مادی جرم، عبدالوهاب، 1392

2: مقاله ای ترک فعل منجر به سلب حیات توسط پزشک، اسماعیل آقابابایی، فصلنامه فقه پزشکی، 1390

3: مقاله ای بررسی ترک فعل در جرم قتل عمدی، حسن پور، مجله دادرسی، 1384.

4: مقاله ترک فعل به مثابه عمل کشنده، احمد حاجی ده آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، 1391.

اما کتاب و حتی مقاله ای که مشخصا عنوان مسوولیت جرایم سلبی و یا مطالعه تطبیقی مسوولیت جرایم سلبی در فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان باشد، به نظر نمی رسد.

1-1-4: سوالات تحقیق

1-4-1-1: سوال اصلی

1: مسوولیت و مصادیق جرایم سلبی در فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان چیست؟

1-4-1-2: سوالات فرعی

1: مسوولیت جرایم سلبی در حقوق افغانستان چیست؟

2: تفاوت مسوولیت جرایم سلبی در فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان چیست؟

1-1-5: فرضیه های تحقیق

1-1-5-1: فرضیه اصلی

1: مسوولیت جرم سلبی نتیجه ترک عملی است که شرعا دستور به انجام آن داده شده است، مانند بی اهتمامی پزشک و یا پرستار به بیماران. خودداری از نجات غریق، خود داری از راهنمایی نابینا و هلاک شدن وی، خود داری تامین نیازمندی های اطفال، امتناع مادر از شیر دادن به طفل یا معالجه وی و عدم تغذیه مادر شیر ده. مسوولیت موارد فوق را برخی مذاهب فقهی حد و برخی ها تعزیر بیان نموده است. و همچنین بعضی از فقها که بیشتر مورد تاکید امام ابوحنفیه می باشد، به نفی مطلق مسوولیت شخص در جرایم سلبی را حکم کرده و مابقی از فقها به اثبات مطلق مسوولیت جرایم سلبی حکم داده اند. در قانون افغانستان، قانونگذار به این مساله توجه نموده و ترک فعل که منجر به اسبب و یا سبب از بین رفتن کسی شود مجازات مشخص شده است.

1-1-5-2: فرضیه فرعی

1: قانون جزای افغانستان، مسوولیت جرایم سلبی را مجازات تعزیری تلقی کرده و به حبس و جزایی نقدی اکتفا نموده است.

2. تفاوت مسوولیت جرایم سلبی در فقه و حقوق افغانستان این است که، در فقه اسلامی از همان ابتدا ترک فعل جرم پنداشته می شود ولی در قوانین موضوعه این امر به تدریج وباگذشت زمانی زیاد جرم انگاری گردد. ولی تفاوتی بین فقه اسلامی و حقوق افغانستان در مسوولیت جرایم سلبی دیده نمی شود و فقط در خصوص بحث موضوع که در قوانین افغانستان فقط در خصوص تعزیر صحبت شده و در خصوص قصاص، دیات و حدود به فقه حنفی ارجاع داده شده است.

1-1-6: نو آوری تحقیق

تحقیق حاضر در بررسی و مطالعه مصادیق جرایم سلبی در فقه اسلامی و حقوق افغانستان است و دیده شد که هیچ کدام کتاب و یا هم پایان نامه و یا هم مقاله ای در پیشینه این تحقیق بیان گردید با این رویکر به رشته تحریر در نیامده است. بنابراین، پژوهش حاضر در پی بررسی تطبیقی مصادیق جرایم سلبی در فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان است.

1-1-7: روش تحقیق

روش تحقیق این پایان نامه، تحلیلی و توصیفی، به شیوه کتابخانه ای از طریق جمع آوری داده ها است که با استفاده از کتب مختلف فقهی و حقوقی در بخش جرایم انجام یافته است.

1-1-8: ساختار تحقیق

این تحقیق متشکل از چهار فصل می باشد که قرار ذیل است

فصل اول: کلیات و مفاهیم تحقیق

فصل دوم: مسوولیت جرایم سلبی در فقه مذاهب اسلامی

فصل سوم: مسوولیت جرایم سلبی در حقوق افغانستان و تفاوت آن با فقه اسلامی

2-1: تبیین مفاهیم

1-2-1: تعریف جرم

جرم در لغت: جرم در لغت عبارت از کندن و یا قطع کردن میوه از درخت را گویند، و اینکه برای هر کار ناپسند و زشت بطور استعاره بکار می رود، و جرم نیز به وادار کردن شخص را به کاری زشت نیز اطلاق می کنند¹ (راغب اصفهانی، 1413، 91).

1-1-2-1: تعریف جرم از دیدگاه شرعی

جرایم از دیدگاه شریعت عبارت اند از: محظورات یا منهیات شرعی که خداوند مرتکب آنها را با حد یا تعزیر مجازات می کند، مقصود از «محظورات» این است که کسی کار ناشایست و نهی شده را انجام دهد یا از انجام دادن کاری که باید صورت بگیرد، سرکشی کند و انجام ندهد. افزون شدن صفت «شرعی» به محظورات، نشان می دهد که مقصود از جرم آن است که شرعاً جرم و بزه تلقی شود. (عوده، 1390، ص 79).

2-1-2-1: تعریف جرم از دیدگاه حقوقی

از مجموعه قوانین جزایی چنین استنباط می شود که جرم، عمل مثبت یا منفی است که قانون منع کرده و برای ارتکاب آن مجازاتی مقرر شده هرگاه مرتکب بقصد آن را انجام داده باشد. مؤلف حقوق جنایی در تعریف جرم آورده است: تعریف جرم بر حسب مکتب های جزائی مختلف متفاوت است. یعنی به عقیده طرفداران مکتب عدالت مطلقه جرم عبارت از عملی است که مخالف اخلاق و عدالت باشد. در نظر کارو فالو، در صورتی که به آن قسمت از حس درستی و نیکو کاری که همیشه و همه جا مورد قبول واقع شده است دستبرد و اهانت شود، جرم صورت گرفته است. کارارا بدین شرح از جرم تعریف کرده است «نقض قانون مملکتی در اثر عمل جنائی در صورتی که انجام دادن وظیفه و یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم شود جرم نامیده می شود».

¹ اصل الجرم قطع الثمره عنی الشجر... واستعیره ذلك بکل اکتساب مکروه.

تعریف اخیر از این جهت که عناصر سه گانه جرم (عنصر قانونی، عنصر مادی، عنصر اخلاقی) را در بر دارد بر سایر تعاریف رجحان دارد. عناصر تشکیل دهنده جرم: برای اینکه عملی از لحاظ اجتماعی جرم شناخته شود و قابل مجازات باشد. سه شرط لازم دارد اول، تجاوز به قانون جزا که ان عنصر قانونی گویند. دوم، عمل یا کردار مادی که آن را عنصر مادی جرم گویند. سوم، قصد ارتکاب جرم که عنصر اخلاقی جرم نامیده می شود. منظور از ... عنصر قانونی این است که هیچ عملی نمی توان جرم دانست مگر آنچه قانون قبلاً تصریح کرده باشد و همان مصون مثل معروف «هیچ جرمی بدون قانون وجود پیدا نمی کند» می باشد. مقصود از عنصر مادی جرم آن است، که تنها قصد انجام دادن عملی هر چند غیر قانونی باشد جرم نیست و برای اینکه جرم وجود خارجی پیدا کند، پیدایش یک عمل خارجی مادی لازم است. عنصر اخلاقی جرم، داعی و اراده و قصد داشتن در ارتکاب عمل ممنوع است بعبارت دیگر لازم است که با سبق تصمیم و اراده و سوء نیت عمل ممنوع را انجام داده باشد، تا جرم شناخته شود. (علی آبادی، 1385، ج 1، ص 42-61).

1-2-1-3: جرم در اصطلاح فقها

در نزد فقها جرم دارای دو اصطلاح است: اصطلاح عام و اصطلاح خاص، که به شرح ذیل می باشد.

اصطلاح عام: در اصطلاح عام عبارت از مرتکب شدن هر فعل نا مشروع و یا ترک واجبی که شرع شریف ممنوع قرار داده است، و شخص را که فاعل آن است مستحق مجازات دنیوی از جمله قصاص یا حدود یا تعزیر و یا دیه میداند.

اصطلاح خاص: در اصطلاح خاص به هر نوع جنایت که بر نفس و یا بر مادون نفس و یا بر مرده وارد شود مجازات آن قصاص عضو و یا دیه می باشد؛ که در این خصوص فقها هر کدام بر اساس مولفه در دست داشته به تعریف این مساله پرداخته اند که قرار ذیل می باشد.

ابو الحسن ماوردی: جرم عبارت از اموری است که خداوند عالم بندگان را با تعیین کردن مجازات چون حدود، تعزیرات منع کرده است (الماوردی، 1414، ص 211). به نظر می رسد این تعریف شامل قصاص و دیه نمی شود لذا ناقص می باشد.

فاضل مقداد: جرم و جنایت مترادف هم هستن، هر جنایت و تعدیات که بر نفس و مادون نفس وارد شود جرم گفته می شود (فاضل مقداد، بی تا، ج 2، ص 353). باز هم به نظر می رسد که تعریف مقداد نیز کامل نیست چون به جرم خاص توجه کرده است.

1-2-1-4: جرم در اصطلاح حقوقی

تقسیمات جرایم در حقوق اسلامی

در حقوق اسلامی، طبقه بندی جرایم وجود ندارد ولی در کتب فقهی می توان به چنین یک تقسیمات دست یافت.

1. جرایم موجب حد، تعزیر، قصاص؛

2. جرایم عمدی و غیر عمدی (شامل خطا و شبه عمد)؛

3. جرایم مهم شامل: دماء؛ اعراض، اموال.

ویژگی خاص این تقسیم این است که در جرایم مهم مانند دماء، اعراض و اموال، خلاف موارد که در شبهات بدویّه آن ها اصل برائت جاری می شود. در این چنین موارد، حتی در شبهات بدویّه باید احتیاط کرد و نمی توان اصل برائت جاری کرد. مثال اگر شخص نا آگاه است از وجوب فلان عمل، یا نه از حرمت فلان کار یا خیر، اصل برائت این جا می گوید، الزامی درین نیست. اما اگر شخص نمی داند که فلان جائز القتل است یا نه؟ یا این مال از آن

اوست یا نه به یقین چنین شخص نمی تواند که شخص متذکره را جایز القتل و این مال را از آن خود بداند، بلکه بر عکس باید احتیاط بخرج دهد.

4. طبقه بندی به حق الله محض مانند تکالیف عبادی و حق الناس محض مانند اداء نفقه زن و یا فرزند حقوقی که هم جنبه حق الله دارد و هم جنبه حق الناسی مانند حرمت سرقت.

5. طبقه بندی حقوق کیفری به حقوق مربوط به حفظ دین مانند کیفر ارتداد، یا حفظ حقل، مانند کیفر نوشیدن شراب، حفظ نسل مانند مجازات زنا، حفظ نفس مانند کیفر قتل، و حفظ مال مانند کیفر سرقت. اگر چند دو تقسیم فوق از تباط مستقیم به چرایم مربوط نمی شود، ولی یک از تباط غیر مستقیم آن ها به به گناهان بر کسی پوشیده نمی باشد. (گر جی، 1358، ج 1، ص 286).

1-2-1-5: جمع بندی تعاریف جرم

از همه تعریف های که از جرم شده اعم از حقوقدانان، گفته می توانیم چنین بیان کرد: جرم رفتار انسانی است که بر خلاف مصالح افراد و نظم عمومی یا امنیت اجتماعی صورت می گیرد و مقنن آنرا قابل مجازات دانسته است. این تعریف بر دو امر استوار است:

الف: جرم رفتار مخل نظم اجتماعی یا مغایر با نظم عمومی و مصالح افراد است.

ب: جرم رفتاری است که قانون آن را قابل مجازات اعلام کرده است.

1-2-2: ارکان عمومی جرم

تمامی حقوق دانان به این عقیده اند که عناصر تشکیل دهنده یک جرم سه چیز است که عبارت اند از:

1. رکن معنوی (شرعی)

2. رکن مادی

3. رکن قانونی

1-2-2-1: رکن معنوی جرم

نیت، قصد، و یا اندیشه یک شخص را در انجام دادن فعل یا ترک فعل عنصر معنوی جرم می گویند. این رکن جرم در جرایم جزائی و کیفری بسیار مهم می باشد. بطوری که اگر نیت شخص انجام دادن جرم نباشد این شخص را هیچگاه نمی تواند مجرم شناخت زیرا مجازات متناسب با نیت مجرمانه وی انجام می گیرد.

این نکته هم مهم است که در بعضی از جرایم قصد و نیت هم مهم نیست بلکه همان خسارت که وارد کرده به طرف مهم است، چه این خسارت عمدی باشد و چه این خسارت غیر عمد باشد باید خسارت وارده را جبران کرد. ازین رو گفته می توانیم که در جرایم جزای نیت مجرمانه خیلی مهم بوده و در صورت فقدان عنصر معنوی جرم واقع نشده است. ولی در جرایم حقوقی رکن معنوی جرم هیچ اهمیت و ارزشی ندارد و در صورت وجود نیت و یا عدم نیت بهر حال باید خسارت به پردازد. و افرادی که بدون اراده و قصد و نیت و یا هم اجبارا عملی را مرتکب شوند که مجرم نبوده و قابل مجازات نمی باشد. مانند جنون و اطفال که از خود اراده ندارند. (حاجی ده آبادی، 1391 ص 4).

1-2-2-2: رکن مادی جرم

انجام دادن فعل به صورت فیزیکی عنصر مادی جرم گفته می شود. اگر شخص قصد و تصمیم به انجام دادن جرم را داشته باشد ولی کاری را انجام نداده باشد پس در این صورت شخص مرتکب جرم نشده است و مجازات بر آن نمی باشد. رکن مادی جرم خیلی مهم ترین بخش از ارکان جرم است در صورت عدم وجود رکن مادی جرم نه

جرم حقوقی و نه جرم جنایی واقع می شود. مثلاً شخصی نیت سرقت و یا قتل را داشته باشد تا زمانیکه این نیت را عملی نکند یعنی عنصر مادی جرم واقع نگردد. نه جرم است و نه مجرم و نه هم مجازات می باشد.

مثلاً اگر شخص نیت سرقت و یا قتل را داشته باشد تا حینیکه این قصد عملی نشده است عنصر مادی انجام نگیرد، نه جرم است و نه مجازات. وهم چنین در جرایم حقوق اصل خسارتی است که وارد می شود باید جبران گردد و نیت و قصد مجرم اثری در جبران خسارت ندارد. به عنوان مثال اگر مجنون یا طفل مرتکب جرمی می شود مسئولیت جزای و کیفری ندارد زیرا که فاقد اختیار و اراده است (اردبیلی، 1386، 119).

همچنان در جرایم حقوقی خسارتی که وارد گردیده از جانب دیوانه و یا طفل باید جبران گردد زیرا که قصد و نیت مجرم تأثیری در جبران خسارت ندارد، به عنوان مثال هر جرمی را که مجنون و یا طفل انجام داده مانند خسارت مالی باید از طرف ولی یا بیت المال پرداخت گردد، و مسئولیت جزای کیفری متوجه آن نمی باشد زیرا فاقد اراده می باشد. (جعفر لنگرودی، 1387، ص 471).

1-2-2-3: رکن قانونی جرم

هدف از عنصر قانونی جرم، دانستن عمل به عنوان جرم در قانون جزا می باشد. مواد قانونی که توسط قانون گذار تصویب می شود، عنصر قانونی جرم می باشد. ازین رو گفته می توانیم که هر عمل یا ترک عملی که در قانون آمده است جرم می باشد، تشکیل دهنده رکن سومی جرم قانون می باشد. قانون در هر دو جرم یعنی جرایم جزای و جرایم حقوقی رکن می باشد تا مجرم به مجازات برسد، در صورت نبودن رکن قانونی هیچ عمل یا ترک عمل جرم شناخته نشده و شخص مرتکب جرم، مجازات نمی گردد. از نظر حقوق جزا هیچ عملی را نمی توان جرم دانست مگر این که از سوی مقنن تحت قوانین مدونه برای آن جرم مجازا پیش بینی کرده باشد. یعنی با تمام این توضیح گفته می توانیم که عنصر قانونی جرم در جرایم حقوقی و جزایی یکی از با اهمیت ترین بخش های حقوق است که